

رابطه ناراحتی از موفقیت و آلکسی تیمیا با نشانگان وانمودگرایی در دانشجویان

افسانه شهبازی راد^۱

سیمین غلامرضایی^۲

احمدعلی جدیدیان^۳

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه ناراحتی از موفقیت و آلکسی تیمیا با نشانگان وانمودگرایی در بین دانشجویان صورت گرفت. این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است؛ جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگاور بود که تعداد ۱۰۰ دانشجو با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های آلکسی تیمیا (FTAS-20)، نشانگان وانمودگرایی کلانس (CIPS) و ناراحتی از موفقیت (پدیده غلطانداز) پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که آلکسی تیمیا با نشانگان وانمودگرایی رابطه مثبت معناداری داشت ($P < 0/001$). اما ناراحتی از موفقیت با نشانگان وانمودگرایی رابطه معناداری نداشت. آلکسی تیمیا ۱۰ درصد واریانس نشانگان وانمودگرایی را پیش‌بینی کرد ($P < 0/001$). با توجه به نتایج حاصله، بهتر است راهبردهای پیشگیرانه‌ای در زمینه کاهش این نشانگان در دانشگاه‌ها با استفاده از کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی صورت گیرد.

واژگان کلیدی: نشانگان وانمودگرایی، آلکسی تیمیا، ناراحتی از موفقیت، دانشجویان.

۱- دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول).

Email: ashahbazirad2020@gmail.com

۲- استادیار و عضو هیات علمی گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان

۳- استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگاور

۱. مقدمه

برخی از ویژگی‌های شخصیتی افراد همواره موجب می‌گردند تا آنان در برخورد با واقعیت دچار مشکل شوند و به دلیل داشتن معیارهای بالای عملکرد و ارزیابی‌های سفت و سخت از خود و دیگران در معرض انواع بیماری‌ها و عملکردهای نامناسب قرار گیرند. یکی از ویژگی‌های شخصیتی که روی عملکرد دانشجویان تأثیر می‌گذارد، نشانگان وانمودگرایی^۱ است. این نشانگان به وضوح یک سبک انطباقی نامطلوب و فراگیر را از تعامل با محیط ارائه می‌نماید که ممکن است توانایی‌های بالقوه دانشجویان را از لحاظ تحصیلی و شغلی محدود کند (راس و کروکوواسکی^۲، ۲۰۰۳). این نشانگان ممکن است بر دانشجویان به طرق مختلف تأثیر منفی بگذارد، موجب هراس در آنان شود و باعث تغییر رشته‌ی تحصیلی شده و یا موجب ترک تحصیل در بین آنان شود (فرنچ، یوریچ‌فرنچ و فولمن^۳، ۲۰۰۸). کلانس و ایمز^۴ (۱۹۷۸) برای اولین بار در درمانگاه‌های دانشگاهی متوجه این نشانگان در افراد موفق و تحصیل کرده شدند. در تعریف این نشانگان وانت و کلینمن^۵ (۲۰۰۶) بیان می‌کنند که برخی از افراد علی‌رغم شواهد عینی موفقیت احساس می‌کنند که متظاهر هستند، به این معنا که آن‌ها می‌توانند اطرافیان خود را فریب دهند. به عبارت دیگر این سندرم را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از احساسات بی‌کفایتی تعریف نمود که از این باور نشأت می‌گیرد که فرد ناشایست است و قادر به کسب مهارت، در فعالیتی که خواهان انجام آن است و یا نیاز به انجام آن را دارد، نیست. این احساسات حتی زمانی که طبق شواهد به دست آمده درمی‌یابد که عکس شرایطی که فکر می‌کرده، به وقوع پیوسته است (یعنی از عهده انجام آن کار برآمده است) به قوت خود باقی هستند (سمیران^۶، ۲۰۰۳).

اگر فردی بیش از ۵ مورد از این ویژگی‌ها را تجربه کند، مبتلا به نشانگان وانمودگرایی است؛ توصیف خود به عنوان فردی فریبکار و وانمودگر، عدم پذیرش تأییدها و ستایش‌ها و شناخته شدن از سوی دیگران، ترس از شکست، ترس از شناخته شدن به عنوان فردی فریبکار، احساس ناتوانی و ناشایستگی، درونی نکردن موفقیت‌ها به طوری که آن‌ها را متعلق به خود نمی‌داند و اسناد موفقیت به شانس یا تلاش، یعنی اسنادهای متغیر بیرونی (هولمز، کرتای، آدامسون، هولانس و کلانس^۷، ۱۹۹۳). دینل، هاپکینز و تامپسون^۸ (۲۰۰۲) معتقد هستند که وانمودگرایی، تعلل یا اهمال‌کاری، خودناتوان‌سازی و ترس از موفقیت در دانشجویان دانشگاه از جمله رفتارهای اجتناب از شکست هستند که در بعضی از افراد پیشرفت‌گرا در شرایط تحصیلی و شغلی برای حمایت از خودارزشی ظاهر می‌شوند.

لیری، پاتون، اورلاندو و فونک^۹ (۲۰۰۰) هسته اصلی وانمودگرایی را به سه بخش تقسیم می‌کنند: هسته اول، حس وانمودگرایی است؛ این اعتقاد که دیگران آن‌ها را مطلوب‌تر از آنچه واقعاً هستند، می‌بینند. هسته دوم، ترس از شناخته شدن به عنوان فردی فریبکار است و هسته سوم، مشکلاتی در درونی کردن موفقیت و ارائه رفتارهایی است که این احساس را تداوم می‌بخشد، مثل تمایل به نسبت دادن موفقیت به عواملی مثل شانس. محققان به این نتیجه رسیدند که حدود ۴۰٪ جمعیت افراد دارای این سندرم هستند (گنز^{۱۰}، ۲۰۰۵). نکته حائز اهمیت که درباره افراد مبتلا به این سندرم وجود دارد این است که پس از احراز موفقیتی، بخش منطقی و عقلانی آنان می‌پذیرد که این موفقیت به دلیل تلاش،

1- imposter syndrome

2 - Ross & Krukowski

3 - French, Ulrich-French & Folman

4- Clance & Imes

5- Want & Kleitman

6- Semeran

7 - Holmes, Kertay, Adamson, Holland & Clance

8- Dinnel Hopkins & Thompson

9 - Leary, Patton, Orlando & Funk

10 - Gens

شایستگی و مهارت توانایی آنان بوده است. ولی بخش اسرارآمیز هیجانی، آنان را از باور صحیح این شایستگی باز می‌دارد. آنان به طور مرموزی بین دو مقوله‌ی همزمان، عقده‌ی حقارت و عقده‌ی خودبزرگ‌بینی در تعارض هستند (رئیس‌ی و صالحی، ۱۳۸۷).

نشانگان وانمودگرایی با برخی از سازه‌های انگیزشی و شخصیتی رابطه دارد؛ ناراحتی از موفقیت^۱ یکی از سازه‌های انگیزشی است که با نشانگان وانمودگرایی رابطه دارد. هورنر^۲ (۱۹۷۲) معتقد است علاوه بر انگیزه کسب موفقیت و انگیزه اجتناب از شکست، انگیزه سومی هم وجود دارد که انگیزه ناراحتی از موفقیت است. وی بیان می‌کند که در زنان انگیزه اجتناب از موفقیت وجود دارد و این اجتناب به دلیل دریافت پیام‌های منفی از جانب اطرافیان، طرد اجتماعی، ترس از ایفای نقش‌های مردانه و از دست دادن هویت زنانه است. های‌لند^۳ (۱۹۸۹)، به نقل از مهرابی زاده هنرمند و همکاران. (۱۳۸۴) نیز ناراحتی از موفقیت را رفتار اجتناب از موفقیت می‌داند که با فقدان عزت نفس همراه است و زمانی افراد دچار این حس می‌شوند که حس شایستگی و هویت جنسیتی آن‌ها مورد تهدید قرار می‌گیرد و در اجرای تکالیف و پذیرش مسئولیت تعلل می‌ورزند و از موفقیت اجتناب می‌کنند.

محققین در مطالعات بین فرهنگی به این نتیجه رسیدند که مدل‌های سنتی پیشرفت از جمله مدل انتظار-ارزش مک‌کلند، اتکینسون، کلارک و لول^۴ (۱۹۵۳) نمی‌تواند مدل جامعی برای توصیف رفتار پیشرفت و گرایش به موفقیت ارائه دهند (لیو، آلن، پاپوچیس و ریتزلر^۵، ۱۹۹۸). تامپسون^۶ (۱۹۹۶) نشانگان وانمودگرایی و ناراحتی از موفقیت را نوعی ویژگی غالب در نظام خود-ارزشی دانشجویان می‌داند. وی معتقد است که وقتی دانشجویان در محیطی قرار می‌گیرند که در آن احساس تهدید می‌کنند و انتظار موفقیت از آن‌ها بالا است، به طوری که حتی بالاتر از توانمندی آن‌ها باشد، این ویژگی‌های خاص، ناراحتی از موفقیت و سندرم وانمودگرایی را در آن‌ها پدید می‌آورد.

فروید^۷ (۱۹۱۵)، به نقل از آزمال باشا و اوشاسری^۸، (۱۹۹۸) هم به مراجعینی اشاره می‌کند که هراس موفقیت داشته و از رسیدن به موفقیت و پیامدهای آن می‌ترسیدند. مازلو^۹ (۱۹۲۶)، به نقل از موناهان، کان و شاور^{۱۰}، (۱۹۷۴) در نظریه انسان گرایانه خود و در توصیف هرم سلسله مراتبی نیازها، اشاره می‌کند که در فرهنگ‌های فردگرا، بعضی افراد از رسیدن به موفقیت می‌ترسند و به آن عقده یونس (یوحنا) می‌گویند.

یکی از سازه‌های شخصیتی نیز، آلکسی تیمیا^{۱۱} است. آلکسی تیمیا یک ساختار شخصیتی منحصر به فرد است که از طریق مجموعه‌ای از صفات مربوط به ابعاد مدل پنج عاملی شخصیت نشان داده می‌شود و در دوره‌های زمانی مختلف ثبات نسبی دارد (پیکاردی، تونی و کاروپو^{۱۲}، ۲۰۰۵). آلکسی تیمیا به عنوان یک صفت شخصیتی به معنای فقدان یا بروز مشکلاتی در شناسایی، توصیف و درگیر شدن با احساسات فردی است که اغلب به فهمیدن احساسات دیگران نیز منجر می‌شود (پاپو و مک کیلوچ^{۱۳}، ۲۰۰۴). چنین افرادی به سختی می‌توانند هیجانات واقعی و اصیل را از حس‌ها یا برانگیختگی‌های بدنی خود

1- fear of success

2 - Horner

3 - Hyland

4 - McClelland, Atkinson, Clark & Lowell

5 - Lew, Allen, Papouchis & Ritzler

6 - Thompson

7 - Freud

8 - Bash, Azmal & Ushasree

9 - Maslow

10 - Monahan, Kuhn & Shaver

11 - alexithymia

12 - Picardi, Toni & Caroppo

13 - Paivio & McCulloch

تمیز دهند و مثلاً به جای بیان هیجان ترس به توضیح برانگیختگی‌های ترس مثل سرد شدن بدن یا خشک شدن دهان می‌پردازند (ویلیامز و وود^۱، ۲۰۱۰). چنین افرادی به نسبت میزان اختلالی که دارند، فاقد توانایی تجربه رؤیا یا فانتزی و خیال پردازی هستند. در عوض آنان در شیوه تفکرشان به شدت بر منطق و دلایل و شواهد حقیقی تکیه می‌کنند. آن‌ها حتی در رؤیاهای خود نیز بسیار منطقی و واقع‌گرا هستند. تجارب بالینی ثابت می‌کنند که آنان ساختار رؤیا را بیش از اتفاقات آن به یاد می‌آورند. ممکن است که این افراد حالات هیجانی متفاوتی را نشان دهند، مثلاً گاهی به شدت بی‌قرار بوده و خود را ملامت می‌کنند و یا به صورت انفجاری گریه کرده و خشمگین می‌شوند. هسته اصلی این اختلال در ناتوانی تمایز قائل شدن بین احساسات و محدودیت شدید در بیان و توصیف آن‌ها است. این حالت گسیختگی عاطفی از خود و عدم ارتباط عاطفی با دیگران سبب می‌شود که چنین افرادی نه تنها روابط بین فردی معیوبی داشته باشند بلکه رضایت از زندگی نیز در آن‌ها کاهش یابد (مکلارن^۲، ۲۰۰۶).

تیلور و تیلور^۳ (۱۹۹۷) چهار ویژگی اصلی برای توصیف آلکسی‌تیمیا را به شرح زیر خلاصه و بیان نمود: مشکلاتی در تشخیص احساسات و تمایز قائل شدن بین احساسات و حساسیت‌های بدنی شکل، که در واقع برانگیختگی هیجانی هستند. (۲) مشکلاتی در توصیف احساسات و هیجان خود برای دیگران. (۳) سبک شناختی وابسته به محرک با جهت‌گیری خارجی و تفکر برون‌مدار. (۴) کاهش خیال‌پردازی و محدودیت در پردازش تصویری.

آلکسی‌تیمیا صفتی است که در برخی اختلالات شخصیت وجود داشته (لین، آهرن، شوارتز و کاسزنیاک^۴، ۱۹۹۷) و احتمالاً با سطح اضطراب فرد رابطه مستقیم دارد و به همین دلیل با اختلالات اضطرابی و افسردگی همپوشانی دارد (بشارت، ۱۳۸۷). در زمینه‌ی متغیرهای پژوهش، مطالعات بسیار اندکی صورت گرفته است، از جمله پژوهش ساد، لنور، شاور و دانی وانت^۵ (۱۹۷۸) و فراید باج آلتز^۶ (۱۹۹۲) نشان داد که ناراحتی از موفقیت با وانمودگرایی همبستگی دارد. پژوهش مک‌گرگور، گی و پوسی^۷ (۲۰۰۸) نشان داد که زنان نسبت به مردان در نشانگان وانمودگرایی، امتیازات بالاتری دارند. مهرابی‌زاده هنرمند و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی که انجام دادند به رابطه منفی ترس از موفقیت و نشانگان وانمودگرایی اشاره کردند. در زمینه آلکسی‌تیمیا و نشانگان وانمودگرایی نیز پژوهشی انجام نشده است، که این پژوهش می‌تواند راه گشای پژوهش‌های بعدی در این زمینه باشد.

تعداد کثیری از دانشجویان بعد از ورود به دانشگاه با وجود کسب موفقیت‌های فراوان و عملکرد بسیار عالی، همچنان احساس موفقیت نمی‌کنند و آن‌را به شانس و اقبال نسبت می‌دهند که در درازمدت این پدیده بر روی عملکرد تحصیلی و بهداشت روانی آنان تأثیرگذار است. مخصوصاً دانشجویان دانشگاه آزاد که بسیاری از آن‌ها بعد از مدت‌ها ترک تحصیل کردن، دوباره به عرصه تحصیل و دانش برمی‌گردند، ممکن است این پدیده در بین آنان نمود بیشتری داشته باشد، لذا این پژوهش برای بررسی ناراحتی از موفقیت و آلکسی‌تیمیا با نشانگان وانمودگرایی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد صورت گرفت، تا با شناسایی عوامل دخیل در این نشانگان بتوان برنامه‌ریزی‌های مناسبی را جهت کاهش این سندرم انجام داد. فرضیه‌ها و سؤال این پژوهش به صورت زیر است:

- بین ناراحتی از موفقیت و نشانگان وانمودگرایی در بین دانشجویان رابطه وجود دارد.

- بین آلکسی‌تیمیا و نشانگان وانمودگرایی در بین دانشجویان رابطه وجود دارد.

1 - Williams & Wood

2 - Maclaren

3 - Taylor & Taylor

4 - Lane, Ahern, Schwartz & Kaszniak

5 - Sadd, Lenauer, Shaver & Dunivant

6 - Fried-Buchalter

7 - McGregor, Gee & Posey

– آیا آلکسی تیمیا و ناراحتی از موفقیت توان پیش‌بینی واریانس نشانگان وانمودگرایی را دارند؟

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگاور بود که در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۴-۹۳ مشغول به تحصیل بودند. برای انتخاب نمونه تعداد ۱۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از بین دانشجویان دانشگاه انتخاب شدند، به این صورت که از بین دانشجویان علوم انسانی، علوم پایه و فنی-مهندسی، ابتدا دو رشته تحصیلی بعد از بین رشته‌ها هم دو کلاس انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بودند از: گذراندن حداقل یک ترم سال تحصیلی و نیز رضایت از همکاری در تکمیل پرسشنامه‌ها و ملاک‌های خروج آزمودنی‌ها شامل مشروط شدن یا تغییر رشته در طی مدت تحصیل بود. بعد از انتخاب آزمودنی‌ها و اعلام رضایت آنان جهت شرکت در پژوهش، پرسشنامه‌ها در اختیار آنان قرار گرفت و توضیحات لازم توسط پژوهشگر و یا همکاران وی به آنان داده شد. برای تحلیل داده‌ها علاوه بر روش‌های آمار توصیفی از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نرم‌افزار مورد استفاده در این پژوهش SPSS نسخه ۱۹ بود. در این پژوهش از ابزارهای زیر جهت گردآوری اطلاعات استفاده شد:

– برگه‌ی اطلاعات: داده‌های جمعیت‌شناختی افراد به کمک برگه‌ای که توسط پژوهشگران تنظیم شده، جمع‌آوری گردید. طراحی این پرسشنامه به صورت خود اجرا و بی‌نام بوده و شامل اطلاعاتی در زمینه جنسیت، سن، وضعیت تأهل و... بود. -مقیاس پدیده وانمودگرایی کلانس^۱ (CIPS): این مقیاس برای نخستین بار به صورت مداد-کاغذی توسط کلانس و ایمز (۱۹۷۸) ساخته شد. و شامل ۲۰ ماده است که از آزمودنی خواسته می‌شود تا در یک طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از هیچ‌وقت تا خیلی زیاد نظر خود را درباره هر ماده ابراز نماید. اگر مجموع نمره‌ها کمتر از ۴۰ باشد وانمودگرایی ضعیف، بین ۴۱ تا ۶۰، وانمودگرایی متوسط و ۶۱ تا ۸۰ وانمودگرایی مرضی و ۸۰ به بالا وانمودگرایی شدید تلقی می‌شود. یافته‌های تحقیقی هولمز و همکاران (۱۹۹۳) همسانی درونی بالا با ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۶ را برای این مقیاس گزارش می‌کنند. در پژوهش مهرابی‌زاده هنرمند و همکاران (۱۳۸۴) برای تعیین پایایی، ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۳، روش اسپیرمن-براون، ۰/۷۳ و روش گاتمن، ۰/۷۳ گزارش شده است. اعتبار ملاکی و سازه این ابزار نیز در پژوهش مذکور مورد تأیید قرار گرفته است. در پژوهش حاضر نیز مقدار آلفای کرونباخ، ۰/۷۸ برای این مقیاس به دست آمد.

– مقیاس آلکسی تیمیا (FTAS-20): این مقیاس یک آزمون ۲۰ سوالی است که شامل سه زیرمقیاس دشواری در تشخیص احساسات (۷ ماده)، دشواری در توصیف احساسات (۵ ماده) و تفکر عینی (۸ ماده) را در پیوستار پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (کاملاً مخالف) تا نمره ۵ (کاملاً موافق) می‌سنجد. یک نمره کل برای آلکسی تیمیا کلی محاسبه می‌شود. ویژگی‌های روانسنجی مقیاس آلکسی تیمیا تورنتو-۲۰ در پژوهش‌های متعدد بررسی و تأیید شده است. در نسخه فارسی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰، ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی کل، ۰/۸۵ و سه زیر مقیاس دشواری در تشخیص احساسات، ۰/۸۲، دشواری در توصیف احساسات، ۰/۷۵ و تفکر عینی، ۰/۷۲ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است. پایایی بازآزمایی این ابزار در یک نمونه ۶۷ نفری در دو نوبت با فاصله چهار هفته از ۰/۸۰ تا ۰/۸۷ برای ناگویی هیجانی کل و زیرمقیاس‌های مختلف تأیید شده است و روایی همزمان مقیاس آلکسی تیمیا بر حسب همبستگی بین زیرمقیاس‌های هوش هیجانی، بهزیستی روانشناختی و درماندگی روانشناختی بررسی و مورد تأیید قرار گرفته است (بشارت، ۲۰۰۹). در پژوهش حاضر نیز مقدار آلفای کرونباخ این مقیاس، ۰/۷۸ به دست آمد.

– ناراحتی از موفقیت: این پرسشنامه ۱۴ سوالی شامل جملاتی است که احساسات و نگرش‌های افراد را درباره خود و

استعدادهایشان می‌سنجد، نحوه نمره‌گذاری گویه‌های این مقیاس بدین صورت است که نمره‌ای در طیف ۷ درجه‌ای لیکرت (۱ تا ۷) کسب می‌کنند. اعتبار و روایی این مقیاس توسط گنجی (۱۳۸۰) مورد تأیید قرار گرفته است. در پژوهش حاضر نیز مقدار پایایی این ابزار از طریق آلفای کرونباخ $0.74/5$ بدست آمد. برای تأیید روایی این مقیاس نیز پرسشنامه در اختیار چند تن از اساتید و کارشناسان متخصص روانشناسی قرار داده شد و مورد تأیید قرار گرفت.

۳. یافته‌ها

از ۱۰۰ آزمودنی شرکت کننده در پژوهش؛ 66% ، زن و 34% ، مرد بودند، میانگین و انحراف معیار سن دانشجویان به ترتیب؛ $23/34$ و $4/44$ بود. میانگین و انحراف معیار متغیرهای نشانگان وانمودگرایی؛ $10/65 \pm 56/01$ ، ناراحتی از موفقیت؛ $12/66 \pm 46/82$ و آلکسی تیمیا؛ $12/6 \pm 53/79$ بود. 5% افراد شرکت کننده دارای وانمودگرایی ضعیف، 58% وانمودگرایی متوسط، 31% وانمودگرایی مرضی و 1% هم دارای وانمودگرایی شدید بودند. برای سنجش رابطه متغیرهای آلکسی تیمیا و ناراحتی از موفقیت با نشانگان وانمودگرایی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج حاصل از جدول ۱ نشان می‌دهد که بین آلکسی تیمیا و نشانگان وانمودگرایی رابطه مثبت معنادار ($r=0/198$) در سطح $P < 0/05$ مشاهده شد. یعنی با افزایش متغیر آلکسی تیمیا، نشانگان وانمودگرایی نیز افزایش می‌یابد. بین ناراحتی از موفقیت و نشانگان وانمودگرایی رابطه معناداری وجود نداشت.

جدول ۱: ماتریس همبستگی آلکسی تیمیا، ناراحتی از موفقیت و نشانگان وانمودگرایی

متغیرها	۱	۲	۳
۱- آلکسی تیمیا	۱		
۲- ناراحتی از موفقیت	$r=0/534^{**}$	۱	
۳- نشانگان وانمودگرایی	$r=0/198^{**}$	$r=0/03$	۱

$*P < 0/05$ $**P < 0/001$

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که میزان F مشاهده شده ($F=5/80$ ، $P < 0/05$) معنادار بوده و تقریباً $10/9\%$ واریانس متغیر نشانگان وانمودگرایی توسط متغیر آلکسی تیمیا قابل پیش‌بینی می‌باشد ($R^2=0/109$).

جدول ۲: خلاصه مدل رگرسیون و نتایج تحلیل واریانس متغیرهای ناراحتی از موفقیت و آلکسی تیمیا در پیش‌بینی نشانگان وانمودگرایی

مدل	R	R ²	منبع واریانس	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	سطح معناداری
آلکسی تیمیا			رگرسیون	۱۱۵۳/۶۳	۲	۵۷۶/۸۱۹		
ناراحتی از موفقیت	۰/۳۳۰	۰/۱۰۹	باقی مانده	۹۴۴۸/۰۹	۹۵	۹۹/۴۵	۵/۸۰	$*0/004$
			کل	۰۶۰۱/۷۳۴	۹۷			

$5*P < 0/0$

آلکسی تیمیا ($\beta=0/315$ و $t=3/93$) قادر به پیش‌بینی نشانگان وانمودگرایی در سطح $P < 0/001$ بود و ضرایب استاندارد بتا برای آن نیز در معادله رگرسیون مثبت است، اما ناراحتی از موفقیت قادر به پیش‌بینی واریانس نشانگان وانمودگرایی

نبود (جدول ۳).

جدول ۳: تعیین میزان ضرایب بتای متغیرهای آلکسی تیمیا و ناراحتی از موفقیت در پیش‌بینی نشانگان وانمودگرایی

مدل	B	Beta	T	Sig
آلکسی تیمیا	۱۷/۷۶	۰/۳۳	۰/۱۷۰	۰/۰۰۱
ناراحتی از موفقیت	۰/۳۳۴	۰/۰۱۷	۳/۳۵	۰/۸۶۵

۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی برخی از متغیرهای شخصیتی - انگیزشی مثل آلکسی تیمیا و ناراحتی از موفقیت با نشانگان وانمودگرایی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگاور بود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین ناراحتی از موفقیت و نشانگان وانمودگرایی رابطه معناداری مشاهده نشد، نتایج این مطالعه با پژوهش ساد و همکاران (۱۹۷۸) و فراید باچ آلترا (۱۹۹۲) و مهرابی‌زاده هنرمند و همکاران (۱۳۸۴) مبنی بر وجود رابطه بین ناراحتی از موفقیت و نشانگان وانمودگرایی، همسو نمی‌باشد. در تبیین این امر می‌توان به نکاتی اشاره کرد. شاید این عدم همسویی ناشی از ابزارهای مختلفی باشد که مورد استفاده قرار گرفته است. ممکن است ناراحتی از موفقیت جزء خیلی کوچکی از رفتارهای وانمودگرایی باشد که چندان قابلیت ارتباط و تبیین را برای نشانگان وانمودگرایی نداشته باشد. و یا وقتی افراد در محیطی قرار می‌گیرند که در آن احساس تهدید می‌کنند و انتظار موفقیت از آن‌ها بالا است، ناراحتی از موفقیت بروز کند حال آن که نشانگان وانمودگرایی ممکن است در هر زمانی که شخص با پدیده موفقیت در ارتباط باشد، بروز پیدا کند.

نتایج همچنین نشان داد که بین نشانگان وانمودگرایی و آلکسی تیمیا رابطه مثبت معناداری مشاهده شد. یعنی کسانی که نشانگان وانمودگرایی بیشتری داشتند، نشانه‌های آلکسی تیمیای بیشتری نیز گزارش می‌کردند. در تبیین این امر می‌توان به این نکته اشاره کرد افراد مبتلا به نشانگان وانمودگرایی به سبب ترس از شکست و ترس از بروز اشتباه و عزت نفس پایینی که دارند، ممکن است در تمایز، توصیف و تنظیم احساسات خود نیز مشکل داشته باشند، یعنی قادر به در میان گذاشتن احساسات خود با دیگران نباشند. آنان زمانی که در موقعیت‌های موفقیت و پیروزی قرار می‌گیرند، با نوسان بین قطب‌های برتری جویی و حقارت طلبی در فرآیند پردازش اطلاعات نوعی آشفتگی و بی‌ثباتی را تجربه می‌کنند و در نتیجه قادر به شناسایی، درک و یا توصیف هیجان‌های خویش نبوده و در برخورد با چنین موقعیت‌هایی رفتارهای اجتنابی از خود نشان می‌دهند.

نتایج همچنین گویای این بود که متغیر آلکسی تیمیا قادر به پیش‌بینی واریانس متغیر نشانگان وانمودگرایی بود. نیکولز^۱ (۱۹۸۴)، و دویک^۲ (۱۹۸۶، نقل از علیزاده، ۱۳۹۱) معتقدند افرادی که احساس کفایت و توانایی پایینی دارند، احتمالاً بیشتر دارای حالت‌ها و رفتارهای ناسازگارانه هستند، مانند اضطراب بالا، پرهیز از چالش‌ها، مقاومت پایین، عملکرد پایین و احساسات درماندگی، از آنجایی که افراد مبتلا به آلکسی تیمیا نیز در تجربه چنین حالاتی مولفه‌های مشترکی دارند، به نظر می‌رسد بیشتر در تخلیه هیجان‌ها مشکل داشته و قادر به بیان احساسات منفی مرتبط با موقعیتی که تجربه می‌کنند نباشند، لذا این امر سازمان عواطف و شناخت‌های آنان را مختل ساخته و احساس کم‌ارزشی، خودکم‌بینی و یا انتظارات و

1 - Nichols

2 - Devic

توقعات کمالگرایانه را در آنان موجب می‌گردد.

نهایتاً با توجه با ابعاد و گستره نشانگان وانمودگرایی و ارتباط آن با متغیرهایی مثل آلکسی‌تیمیا، بهتر است در زمینه کاهش این نشانگان در دانشگاه‌ها (حتی با حمایت مراکز مشاوره‌ای) راهبردهای پیشگیرانه اتخاذ گردد. از سویی دیگر متخصصان به افراد مبتلا کمک کنند تا از اشتباهات و شکست‌های خود تجربه بیاموزند و تردید و نگرانی درباره توانایی‌های خویش را کنار بگذارند و یا با استفاده از جلسات آموزشی مثل بحث‌های گروهی و سخنرانی‌های هفتگی، کارگاه‌های آموزشی دانشجویان را با موفقیت‌های تحصیلی و مهارت‌های رویارویی با اشتباهات آشنا سازند. و همچنین نحوه بیان احساسات و تمایز بین آنان را نیز به آنان آموزش دهند. این پژوهش نیز دارای محدودیت‌هایی بود، از جمله این‌که بر روی دانشجویان صورت گرفته و قابلیت تعمیم به دیگر گروه‌ها را ندارد و به سبب ماهیت این پژوهش که از نوع همبستگی بود، نمی‌توان رابطه علی- معلولی را بین متغیرهای پژوهش متصور شد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به بررسی این متغیرها با واسطه‌گری متغیرهای دیگر مثل سبک‌های تربیتی والدین، میزان عزت‌نفس و تصور و پنداشت از خود و... پرداخته شود و همچنین در جمعیت‌های دیگر نیز مورد مطالعه قرار گیرد و نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر مورد مقایسه قرار گیرد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از تمام دانشجویانی که در این پژوهش همکاری داشتند، کمال تشکر و قدردانی را نمایند.

منابع

- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۷). رابطه نارسایی هیجانی با اضطراب، افسردگی، درماندگی روانشناختی و بهزیستی روانشناختی، مجله پژوهش‌های نوین روانشناختی (روانشناسی دانشگاه تبریز)، ۳(۱۰)، ۱۷-۴۰.
- رئیسی، زهره، صالحی، مهدیه. (۱۳۸۷). معرفی سندرم ایمپاستر (بیماری افراد موفق)، نشانه‌ها، علل و پیامدها. مجله دانش و پژوهش در روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، شماره ۳۶/۳۵، ص: ۲۰۷-۲۳۰.
- علیزاده، بفرآو. (۱۳۹۱). وانمودگرایی، توصیف، شناخت و چالش‌های پیش‌رو. مجله رویش روانشناسی، شماره ۲. ۱۱۱-۱۳۲.
- گنجی، حمزه. (۱۳۸۰). ارزشیابی شخصیت. تهران: نشر ساوالان
- مهربابی‌زاده هنرمند، مهناز، بساک‌نژاد، س.، شهنی‌بیلاق، منیجه، شکرکن، حسین، حقیقی، جمال. (۱۳۸۴). بررسی روابط ساده و چندگانه ترس از موفقیت، عزت‌نفس، کمالگرایی و ترس از ارزیابی منفی با نشانگان وانمودگرایی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال دوازدهم، شماره ۳، ص: ۱-۲۴.
- **Bash, S. Azmal., & Ushasree, s. (1998).** Fear of success among males and females across the life span. *Journal of personality & clinical studies*. 14(1-2), 63-67.
- **Besharat, M.** Alexi thymia and interpersonal problems. *Foundations of Educations Research* 2009;10(1):129-41 (Persian).
- **Clance, P.R., & Imes, S.A. (1978).** The imposter phenomenon in high achieving women: Dynamics and therapeutic interventions. *Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 15: 241-247.
- **Dinnel, D.L., Hopkins, J., & Thompson, T. (2002).** The role of family environment variables in the development of failure-avoidant behaviors. Unpublished manuscript, University of Western Washington, U.S.A.
- **French, B.F., Urich-French, S.C., Folman, D. (2008).** The psychometric properties of the Clancy Imposter Scale. *Personality and Individual Differences*, 44, 1270-1278.
- **Fried-Buchalter, S. (1992)** Fear of success, fear of failure, and the imposter phenomenon: A factor analytic approach to convergent and discriminate validity. *Journal of Personality Assessment*, 58 (2), 368-379.
- **Gens, R. (2005).** I'm afraid. Article, Internet.
- **Holmes, S.W., Kertay, L., Adamson, L.B., Holland, C.L., & Clance, P.R. (1993).** Measuring the imposter phenomenon: A comparison of Clance-s IP Scale and Harvey-s I-P Scale. *Journal of Personality Assessment*, 60, 48-59.
- **Horner, M.S. (1972).** Toward an understanding of achievement-related conflicts in women. *Journal of Social Issues*, 28(2), 157-175.
- **Lane, R.D.; Ahern, G.L.; Schwartz, G.E.; Kaszniak, A.W. (1997),** "Is alexithymia the emotional equivalent of blind sight?", *Biological Psychiatry*, 42 (9): 834-44.
- **Leary, M.R., Patton, K.M., Orlando, A.E. & Funk, W.W. (2000)** The imposter phenomenon: Self perceptions, reflected appraisals, and interpersonal strategies. *Journal of Personality*, 68 (4), 726- 756.
- **Lew, A.S., Allen, R., Papouchis, N., & Ritzler, B. (1998)** Achievement orientation and fear of success in Asian American college students. *Journal of Clinical Psychology*, 54 (1), 97-108.
- **Maclaren, K. (2006),** "Emotional disorder and the mind-body problem: A case study of alexithymia", *Chiasmi International*, 8: 139-55.
- **McClelland, D. C., Atkinson, J. W., Clark, R. A., & Lowell, E. L. (1953).** The achievement motive. East Norwalk, CT, US: Appleton-Century-Crofts.
- **McGregor, L.N., Gee, D E., Posey, K.E. (2008).** I feel like a Fraud and it depress me: The relation between the imposter phenomenon and depression. *Social Behavior and Personality: an International Journal*, 36(1): 43-48.

- **Monahan, L., Kuhn, D., & Shaver, P. R. (1974).** Intrapyschic versus cultural explanations of the "fear of success" motive. *Journal of Personality and Social Psychology*, 29, 60-64. Reprinted, 1980, in L. D. Steinberg (Ed.), *The life cycle: Readings in human development*. New York: Columbia University Press.
- **Paivio, S.C.; McCulloch, C.R. (2004),** "Alexithymia as a mediator between childhood trauma and self- injurious behaviors", *Child abuse & neglect*, 339-354.
- **Picardi A. Toni A, Caroppo E. (2005).** stability of alexithymia and its relationships Whth the big five factors, temperament, character, and attachment style. *Psychotherapy Psychosomatic*. 74(6): 371-8.
- **Ross, S.R. & Krukowski, R.A. (2003).** The imposter phenomenon and maladaptive personality: type and trait characteristics. *Personality and Individual Differences*, 34: 447-484.
- **Sadd, S., Lenauer, M., Shaver, P. R., & Dunivant, N. (1978).** Objective measurement of fear of success and fear of failure: A factor analytic approach. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 46, 405-416.
- **Semeran, B. (2003).** The imposter syndrome: feeling like a fraud internet. Sonnak, and Towell
- **Taylor, G.J. & Taylor, H.S. (1997),** Alexithymia, In M. McCallum & W.E. Piper (Eds.) *Psychological mindedness: A contemporary understanding*. Munich: Lawrence Erlbaum Associates.
- **Thompson, T. (1996).** Self-worth protection in achievement behavior: A review and implications for counseling: *Australian Psychologist*, 31, 41-51.
- **Want, J., Kleitman, S. (2006).** Imposter phenomenon and self-handicapping: Links with parenting styles and self-confidence. *Personality and Individual Differences*, 40: 961-971.
- **Williams, C.; Wood, R.L. (2010),** "Alexithymia and emotional empathy following traumatic brain injury", *Journal of Clinical Experience and Neuropsychology*, 32 (3):259-67.